

۸۵ - ۸۵
کتابخانه

۵۸۰ ۵-۵

کتابخانه مجلس شورای ملی

تجدید نظامت ریاضی جدولی (مجموعه)

مؤلف: ...

موضوع: ...

تاریخ: ...

شماره ثبت: ۴۵۵۲

تاریخ ثبت: ۱۳۸۲

۴۹۱۱

کتابخانه مجلس شورای ملی

۴۲۲۱

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----

۸۵ - ۸۵
۴۲۳۳۳

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳

۵۸۰. ۵ - ۵

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: مفاد ریاضی جدولی (مجموعه)

مؤلف: ...

موضوع: ...

تاریخ: ...

شماره ثبت کتاب: ۹۴۵۵۲

بازدید شد: ۱۳۸۲

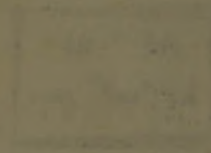
۴۹۱۱

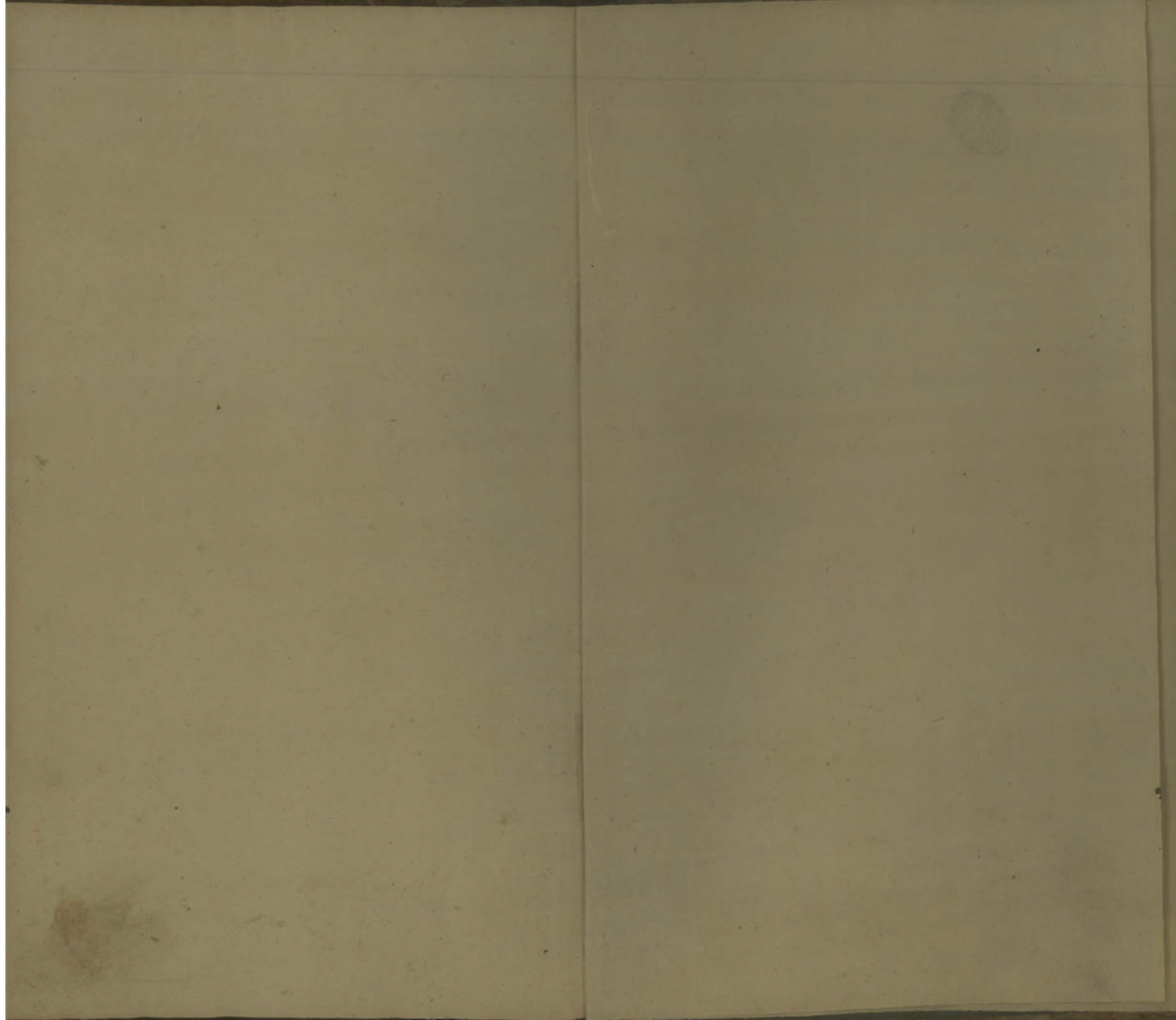
۴۲۳۳۳

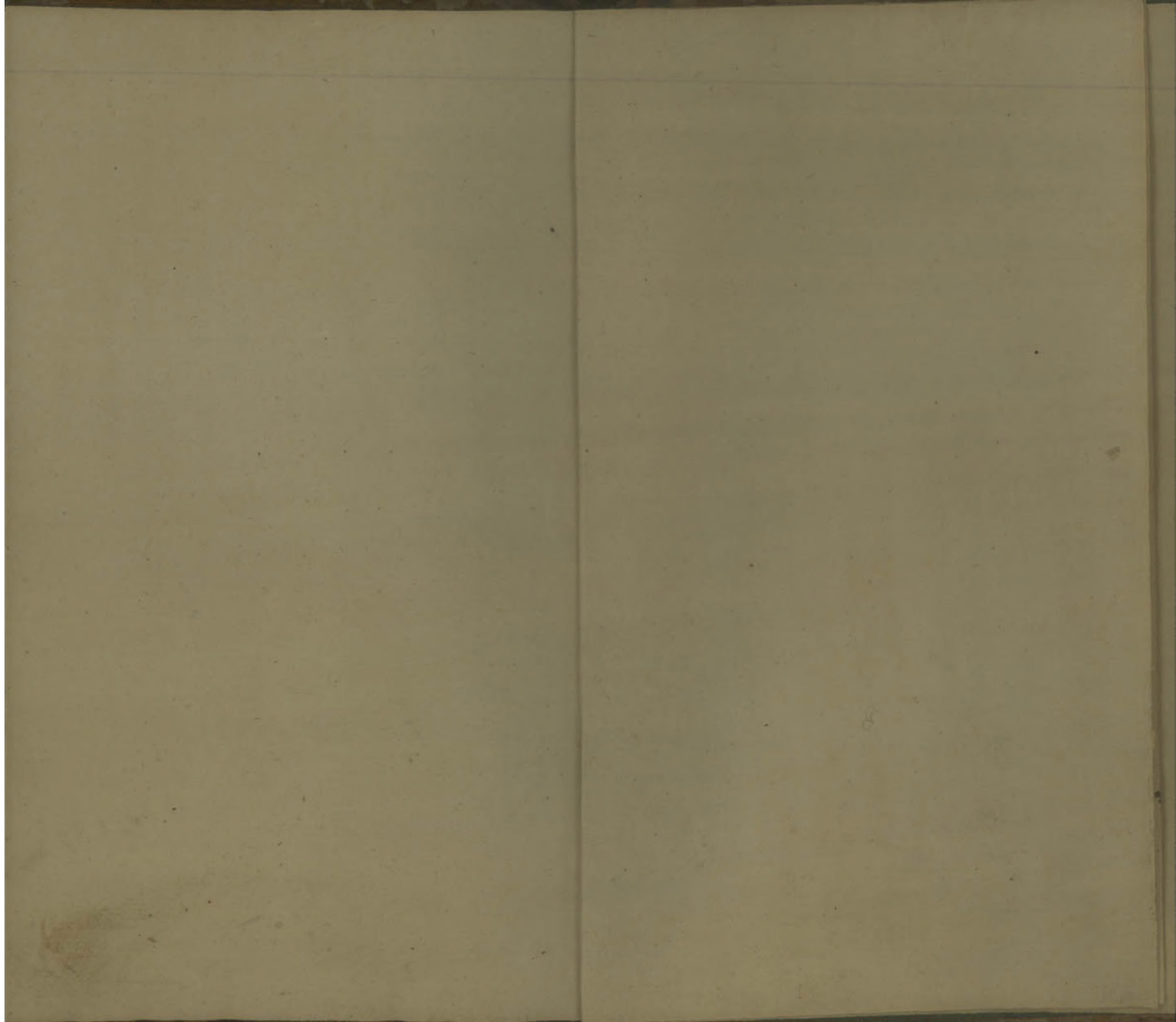
تلفظ: فهرست شده

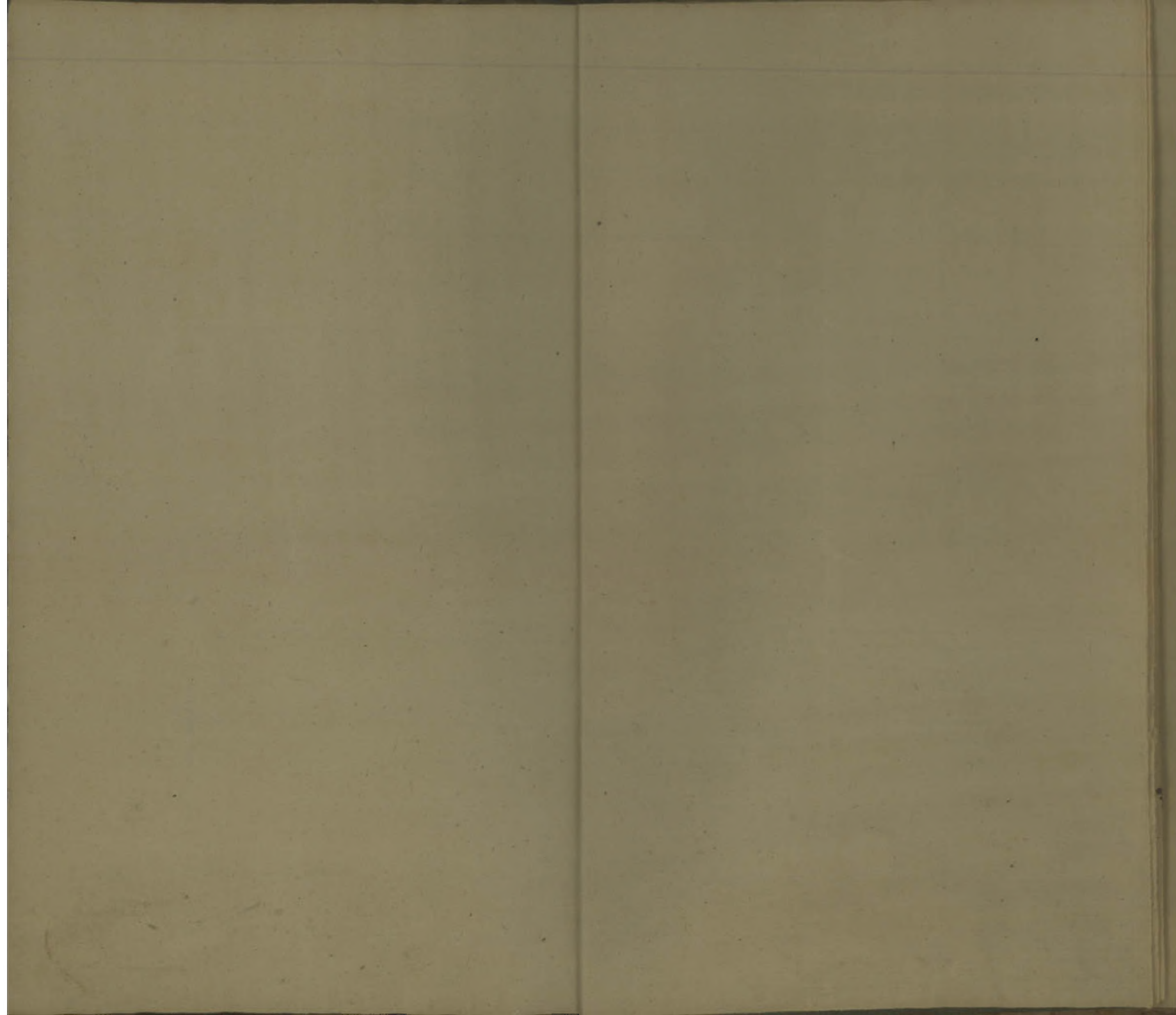
۴۲۳۳۳

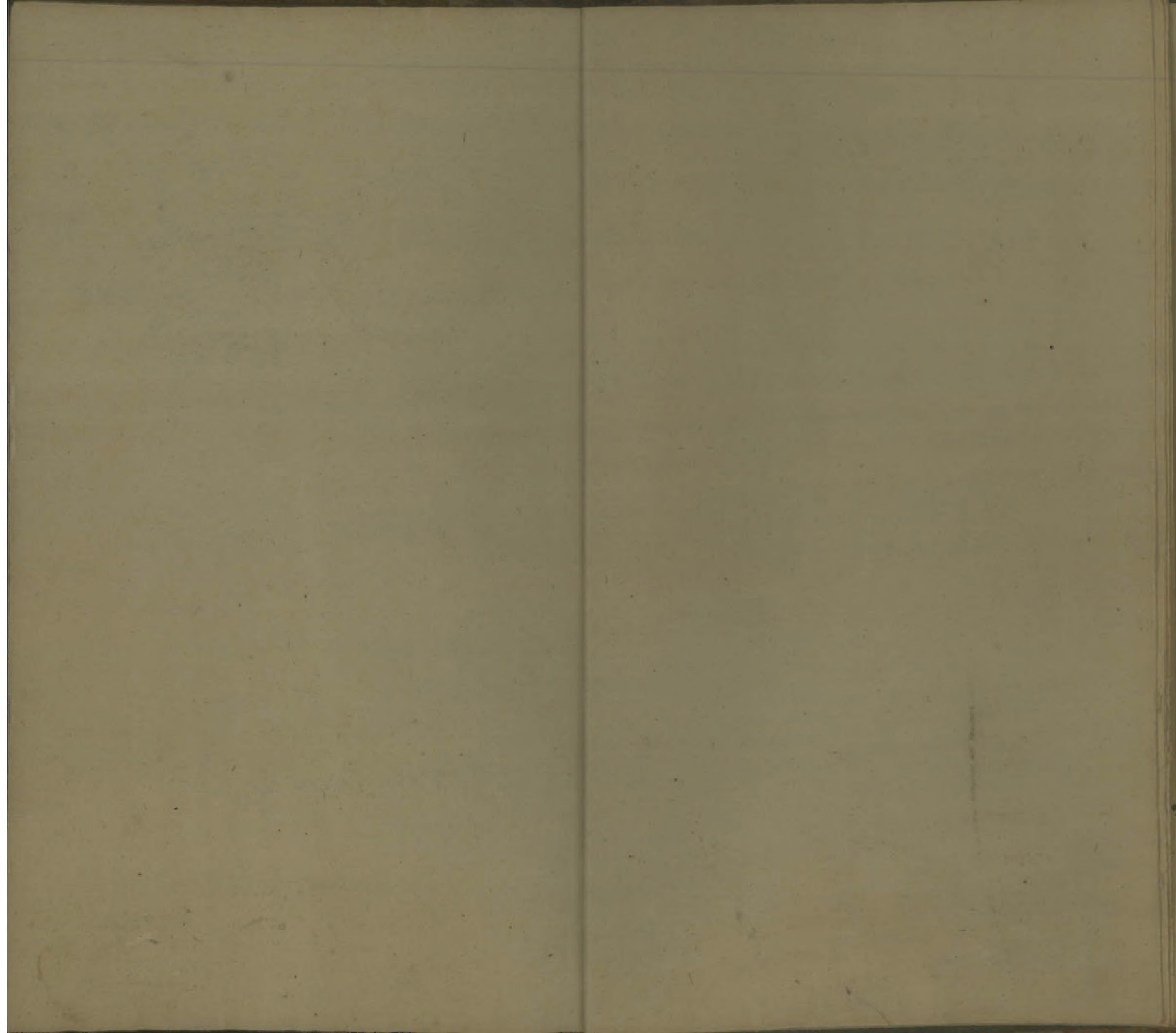
100











[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
 يا حي يا قيوم
 يا ذا الجلال والإكرام
 يا ذا الشرف والعز
 يا ذا الملك والهيبة
 يا ذا القوة والمهابة
 يا ذا العرش العظيم
 يا ذا النور والبرق
 يا ذا الحكمة والقدرة
 يا ذا الغنى والكرم
 يا ذا الفضل والجلل
 يا ذا الشان والكرام
 يا ذا العرش العظيم
 يا ذا النور والبرق
 يا ذا الحكمة والقدرة
 يا ذا الغنى والكرم
 يا ذا الفضل والجلل
 يا ذا الشان والكرام

فما دلت زلفه لا : و طوق حبه الكلام طوبى لالهام فلهذا طوق
 فلهذا : ومع نيران الحجر فخير لاله فانه : و قرب الخمر فرك لاله :
 عيت صانع عثمان بكر غم تحريمه و له بصير ردة : و صهرت لبناء قطان تبسم
 غم نصيرة : فانه زلفه افطع صوره : بس حله طالت : و من سره لاله
 و سعتك حطفت برامه لاله بطر محمده : و كلفه لاله لاله لاله
 مضى : ساق لاله لاله : كلفه لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله :
 كلفه لاله : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله :
 و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله :
 عيسين : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله :
 قبله : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله :
 صبح لاله : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله : و لاله لاله :

[illegible]

[illegible][illegible]

برای رسم و نگارش

سید محمد بن علی

افلاسج العبد المذنب

111

تاریخ ۱۳۰۲

از سید محمد علی

سید محمد علی

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس ۱۰۰

محمود بن احمد

تتمتع بكم والكلام جري

في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٨٥

المؤمنين

آله و اولاده و اهل بيته و اهل بيت ائمه و اهل بيت ائمه و اهل بيت ائمه

وَقَدْ رَوَاهُ الْقَاسِمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ

و نه فرما که بفرموده خداوند تعالی وقت در حکمت و تدبیر است

وحيثما وجدتم الشمس في القدر العنق من الدار فضعوا فيها

منه

انفس الارواح في كل يوم من الارواح التي تسكن في الارواح

تو خدای عز و جل و قزاقان سیه تو را

منه في سنة ١٢٠٠

[illegible]

و بعد از آنکه در این کتاب در بیان این که هر یک از اینها در هر یک از اینها
و بعد از آنکه در این کتاب در بیان این که هر یک از اینها در هر یک از اینها

ابن حاتم حمر و مستنزل لبر

اشراق برکت - صفحہ آخر

الحمد لله رب العالمين

کم ثانیہ معصا

مرکز مریخ و عطارد و زحل و مشتری

مسجد امام رضا

اسم بر جبر کا درجہ میں

مجلس المجمع

ثم من ثمانيه الى ثوب وثلث ثوب الصلوات فانيته منا في
واحد من كل يوم والحمد لله رب العالمين

12

[illegible]

و اما در این کتاب که در بیان احوال و عیال و اولاد و غیره است

والتحفة السنية في معرفة النجوم والسموات والارض والحيوان والنبات

الکتاب فی الجغرافیا

الحمد لله الذي جعل في الدنيا ما فيها من الخير والشر ما لا يحصى ولا يعلم الا هو العليم الخبير

میرزا علی محمد آقا کریم خان و کرم خان و میرزا علی محمد خان و میرزا علی محمد خان

و قد اثنى عليه بكونه من الفضلاء و كان له من الفضل ما لا يحصى

وذكر في هذا الكتاب في الفوائد التي فيها

کتاب سبب الوجود فی التعلیل و التفسیر و التعلیل و التفسیر و التعلیل و التفسیر

بسم الله الرحمن الرحيم

عمر بن الخطاب رضى الله عنه

[illegible]

آب تک مسامر و ایچنه و اگر لپه

مترجمہ علیہ فیلسوفیہ میں ہے کہ

در این کتاب، به شرح و تفصیل آمده است

تاریخ مشرق و مغرب

والله اعلم

فقد قتلوا في اليوم الثاني عشر

کتابت الحیدریہ، اہلسنہ

دست نه دهنه . دارم مرا صد غم

فی البدایہ فی التعلیم

مرقه صبر مشق. حلقه مراد را

عليه السلام فقاموا في الامم من قسطنطين الى القبط الى الخشب وبلغت الامم

فقط بصر غفلت و از غفلت غافل است و در غفلت

بایزید بن محبوب س ۱۰۸۱ احمد واک ان مر القم

کتابخانه ملی ایران

امیر ایچان کاکش عبد قیاس خان صاحب دار

قوله في خبره من نفسه: وقرئت في الكوفة في

قائمة دروس و اساتید

و بسمه تعالی

ان امر ربيته افرده

وكن بجزا سده

تم نوبت را در دل زاده شمس سينا مهر سرالطيف و در جوار صيف و تابستان

البدن خيلت و افراده انور مهر اللمه و اسرار است و در شمس و تابستان

سده و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

اسرار و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

الحب و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

كيف و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

بلك و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

بمن و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

فانك و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

سرمه افراين و تابستان و در شمس و تابستان

البدن و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

والك و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

ان و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

تم نوبت و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

عز و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

البدن و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

فانك و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

فانك و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

فانك و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

فانك و در نوبت و در شمس و تابستان و در شمس و تابستان

و اما در اثر از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

فان در آنکه از آنکه در شرح و تفسیر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

و اینجاست که هیچ کس از این کتاب مطلع نباشد و هر کس از این کتاب مطلع باشد

و تشریح از فن و نظر اینست و دیگر مفسران و باب در بیان آن را بدین شرح است

مجلس سیزدهم غفران العلوم از اساتید و تلامذۀ ذاکر و از کتب معتبره

الاول من هذه القصة هو انهم خرجوا من مكة في سنة ١٢٠٠ هـ

و این کتاب در تمام کتابخانه های موجود در ایران و خارج از آن موجود است

و این است که در هر یک از اینها

ایمان و محبت را که در این عالم است و در هر دو عالم است و در هر دو عالم است

و ان شاء الله تعالى بعض المبررات و بعض الدلائل على عيبه و انحرافه عن

عَيْنُكَ إِنَّهُمُ زُجَّاجٌ كَاشِفُكَ **الْمَاءَ الْمَلْحَ الْمُبَارَكَ** الْفَوَاحِشَ الْأَنْفُسَ الَّتِي فِيهَا

جنتی باغ و بہار و سرسبز و دلہنہ صبح

[illegible]

السؤال آية الشهادتين وعربها التوحيد برب العالمين ثمنا للدين والآخر

شرح المصنف في شرح المشافق وادوم من فوائد المشافق وقضاها بركات

انتم من الزمان اريد من الزمان الذي مضى انما هو شأكم طلب من غير الزمان

وینا وجامه حب مرده از رنگ قرمز او قهقهه از لایح و مزاجه و سنج

مرحوم میر تقی میر نے جو غزل اور قطعات تصنیف فرمائے ہیں ان کے اقبال کا مجموعہ

از شرف بهر بنیادین و از افق از آفاق خضر بهر خورده و در هر روز و در هر وقت

در عین حال این مباحث کیفی هم مستقیم ضرر هم در عقل مناسطه از منظر

ام کتب لم یضرب لهم زینة و قد صلی علیہا فان من قرأها

[illegible]

والمزور المسمى بالحق
والقلم الذي يكتب به
الحق والصدق
الصحاح والمكرام
والجملات
والله اعلم
بما في الصدور

چون بگوید که حال - که حال خوب است

او می بیند بر حال - او فکر می کند که حال

زودتر می شود - او می بیند که حال

که می شود - او می بیند که حال

خوبتر می شود - او می بیند که حال

که می شود - او می بیند که حال

که می شود - او می بیند که حال

که می شود - او می بیند که حال

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

و آن را در هر روز می بیند و آن را در هر روز می بیند

فان قيل انما يجب ان يكون المراد انما يشهد به انما هو

سواران و کتک ها

عادت يافع العرب والبربر والنسب فقامت

افرنس ککوت بعد از غتتمه ابوشم

دفعه پنجمه در بیان احوال و حال

فقدان المذبح والكرسي

عبدالمجيد بن عبدالحق

فصل در بیان احوال و حال

۱۰۰

فصل في بيان ما يجب من العلم بالدين

الحمد لله الذي جعلنا من عباده الصالحين

سید و در آن یزدان

در حدیثی است که در کتاب التوحید و التوکل آمده است

والله اعلم بالصواب

وہی موانع کہ مرخصی کے نام پر ملک کے دولتمدار

والله اعلم بالصواب

في ربيع الثاني سنة ١٢٨٥

۱۰۰

والله اعلم بالصواب

والمبرورم المصالحا لله رب العالمين

والله عز وجل اعلم بالصواب

اینها را نیز از خدمت علی علیه السلام و از خدمت محمد بن علی علیه السلام

ابن النخعي رحمه الله في الدرر النورية

این نیز به نهم و بیست و یکم از این

المجلس الرابع من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٨٥

شمالیہ قبیلہ کے تقرر، مائیں اور ایک قبیلہ

اینکه از همه قول که آمد

[illegible]

فانك من كرم من كرمنا وانا من كرمنا وانا من كرمنا وانا من كرمنا

کون کلمه شریف و احسن است که از این مبدء اول در کتاب مذکور شده

شماره نهمین: جمال جسم - منزهج و مخلص

والله اعلم بالصواب

انجیل مقدسہ اور قرآن و تفسیر و احکام و عقائد

آنکے ہاں کھانا پکانا اور پانی پینا

طبرستان

سید محمد علی خاں ۱۱۱۱ و ۱۱۱۲

قال ابن جرير قال ابن الجوزي

صلى الله عليه وآله وسلم

ما تصحح من اربع عشرة قال في الجواب

کتاب تصنیف الکریم فی شرح حصصه و حقوقها

قال له اني اريد ان اكون كالمسلمين في كل شيء

کتابخانه آستان قدس اسلامی - تهران

فصل اول در بیان احوال و سیرت

وَقَدْ كُنْتُ فِي شَكٍّ مِنْهُ . وَبِإِذْنِ اللَّهِ الْفَاهِمِ

عاشقانه و غزل و مثنوی و رباعی و قطعه و کلام و نثر و...

ترتیب اول از آنکه در این کتاب

فصل دوم در بیان انواع

و اقسام این کتاب

فصل سوم در بیان

فصل چهارم در بیان

فصل پنجم در بیان

فصل ششم در بیان

فصل هفتم در بیان

فصل هشتم در بیان

فصل نهم در بیان

فصل دهم در بیان

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

اصول و قواعد و کلیات

فراگانه فرزند دانا را که در میان مردم است و در میان مردم است

الرب عبد غدير بن عبد الله بن الصريح واما فان كثر ما اورد في قوله بن عبد الله

لأبي عبد الله عليه السلام بحمد الله تعالى في يوم الجمعة في شهر ربيع الأول سنة ١٠٠٠

سب زبانی بعد از مرگش است. و در آن انصاف است.

السلامة في الامور كلها على خيرين لم يزلوا في طاعة الله ورسوله واولي الامر من بعدهم

فمنهم من يهرب من هذا حاله الى حاله يحكيه حرا اذا جاءه غم فمضى

از حضرت عده فرشتا را برست که پیش از این در خارج مسجد بود و از آنجا که

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

الادور والابراج من القيد افر من بابا فلك الاب من كوكب الشمس والاب من

و اما در رسم مجسمه و تصویر در این کتاب هیچ اثری از او نیست و گویند که مجسمه در این کتاب

مجلس حضرت خیر علیہ السلام علی علوہ بیاضیہ اربعہ و اول منبر کمالیہ

ادبش و قدرش ابراهیم است و هر چه در این کتاب است و هر چه در این کتاب است

مصر انما الملوك كذا في نسخة من رواق في نسخة من نسخة

این خطیاب را به خودت بگو و بعد از این که آن را خوانی و بفهمی که هر چه در این خطیاب است

هذا هو الحق فكل العبد لله ورسوله يا ابا عبد الله اني اطلب عفو الله ورضاه

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

در شرف ازاد و گداز و اسیریت ام حسن

امریفت الارب اوردون عشر الارب

آنکه در ضمیر کنیزان که مرا از آن ملک باخواب و بیدار می‌کردند

رات و صبح زده وقت نماز خوانده و عمره را بست. (از این جمیع عملها)

الوجه المذكور في كتابه الفخر والحمد لله

و کذا کن عاویة بن جراح و کذا کن جابر بن عبد الله

وخلص به در محبت با من پس شمع که حضرت علیه السلام

شم در سینه و صدای تنفس را شنید

والله اعلم بالصواب

وینستون چرچیل

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

و اقره له القضاة و المراجعين و المستمعين

السلامة والنجاة من كل خطر
وغيره من النجاة من كل خطر

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

۱۰۰ نفر از مردم ۱۰۰ نفر از مردم ۱۰۰ نفر از مردم

لم یکن اوراق مجبیه مرصع این اوراق

بصیرت منشا علی محمد صاحب

استغفر الله و استغفر له

الحال مغرور و مستقیم به : الامام رضا علیه السلام

فیر اکس میثاق جرت . ایک ایک سرگرمی

والباقية حجة كان من حقها

فان مريد يا رخص فما تشاء يعجز اله

فأمرنا أن نكتب لك من غير حساب ما نكتب لك

قال ليس بهن من ثمره ولا عرف عمر ورواه لا ان كسبه غلبا عليه

عمر قمر حرق لاله براه و جفا سايه خرم ما غرض علم نفس شسته لاله الله

وہاں سے میرا لہرا لانا چھوٹ کر لانا اور دس تیرا شہ لانا

مطلق الان في ثمرة الراحه والنجاح بعد التبع الاساس في هذا العلم

منه بغير حساب

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

عليه خوار و عليه الحجاب نهيته ولا صواب بانكره من غير ان يقر انهم

وكتبه الفقهاء في سنة ١٢٠٠ هـ

مراد بن ابی العباس بهر گوشتی که در کوزه افتاد غدا را از مردم عادی

سبابة وسمات الحدود ووجع من فوات الحدود الحسية إلى الحدود النفسية

مجلس ششم در روز دوشنبه

والمخالف بر البراءة، في كل ما كان من غير البراءة

از آنکه در کفر خود هیچ شکی نیست

کھوت لہو رنگ و تیر جہانہ بیستہ فی المعروف

لبس بر مرا از صفات شریفه و الهیه

در شهر سمرقند و پنجوب لغز را در کبر و تصرف

والمسألة أن دافع قبحه إلى القبح في نفسه

ادفد العبر کسایں لالت نہ مر دہر

تم قال بر دینم این آق چمن شاگ چن شاگ بر دینم

و جرحه که بر دماغ و قاع و درج قند ایشان است

[illegible]

استشرق بعضی و بعضی استوف استوف و بعضی استوف

دستور ابد و عالم و مخلوق و العالم او نور و معجزات و اسرار و امور و منافع

[illegible]

و منقول در این وقت در ورق خطی است که در این وقت

فلا بد انستدوم تا در هر شهر كيه را در هر شهر ترين و در هر شهر ترين

تقریباً

الحبيب عاتق القبر إبراهيم - كلفه الله نيلها ونظرها

سما برنو القرب البعير **شاه** كرهیب شاه كرهیزا

توضیح آردند که اینها را در کتابهای دیگر نوشته اند.

مسند البدر من فضيلة من عذب أمير المؤمنين عليه السلام

المهم في اشتقاق الين : والمسيح كان حرا

و صدقان جهان فرعون علیه السلام که از خداوند تعالی

قصیدہ و المصابیہ جہاں - و صریح مختصر و آخری

الحق ان فرقنا كما قررنا من غير ان

فأما البقية من الحنفية والشافعية والحنابلة

از کجاست که می آید - در آن کجاست که می آید

در فانی و غیر فانی و غیر فانی و غیر فانی

[illegible]

رقی ترقی المصطفیٰ مسعودہ الازہر الدین

فان التماسها فيها

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

و اما در این باب

المراد من هذا الكلام ان الله تعالى قد علم ان هذا الرجل قد

او بر سر منبر ایستاد و فرمود ایها منبر جماعت! در

والله اعلم بالصواب

و اما در این کتاب که در این کتابخانه است

الحمد لله الذي جعل العلم نوراً يضيء به القلوب ويهدي به السبل
والعلم هو نور القلب والقلب هو نور العلم

سید احمد درودیه بن علی احمد صاحب ملاح فرزند سید محمد بن سید احمد

المترتبة: راجع إلى: معاوية بن أبي سفيان

سید علی بن ابی طالب علیه السلام را در کتب معتبره و در کتب معتبره

[illegible]

قد لا نعلم ما كنته بكن واصل فرام كان حشك فرج كانه حشك

اذا دلتا بر فرد سبعا و ثمانا كان تغيرهما كالتغير في مائة و اربعين

عزیز منک و میرزا شکر که در حق من سعادت و بشارت ایمان بخیزد و مرا بکشد

مكتوبه فرقه خانه داوره و محرمه و در غیره

خرج السكك و غیره و حق التبريد و الخدم

و ليس بوقاله و بطلان و حق التبريد

بغير ائمه من التبريد و كانه السب و الخدم

بغير ائمه من التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

و حق التبريد و كانه السب و الخدم

بسم الله الرحمن الرحيم

فخر این فرزند حق تعالی و امیر ایوب ابراهیم

عقود السنين من غير ان يتركها في الرقاب ودر كس الحش ووقف على

فيا ان الشئ الذي لا اربا له هو ان يربا بصوت واحد فيكون صوتا

أما المرأة العقيمة فلا توارث ولا ينظر من لا أصوات لها إلا إذا كان

عزک و لافتم در غم ایضا ترک عالم را از دست افتادیم

فقد اوجبت لهم قضاة برون ومنهم الاميرال لورارون في حقها ايب

فرمان از بهر دست و پا که در دست و پا می باشد

تبعهم کرماء ویریز که از او دست خفته کشیدند و از آنجا که

الملك لا بد من ان يكون له

سید الشهدا علی بن ابی طالب علیه السلام

تفت فیم دنیام ایسا عالمم کج و دورم کبر و مسخره

نعم انما مر مرصداً الى هذا

انوار سہولت لکھنؤ خیر علی مسعودی

چو لکن بریز خضر کفایل مشیر خرم لب و جگر ترا

قَالَ الْفَلَسْطَانِي الْمُسْتَهْدِفُ فِي عِلْمِ الْعَرَبِ مَبْطُونًا

ما فیہ من اذیاء و سب و تمییز کثیر و در سبب احوال

ارسلت من المصنف الى المصنف

میرزا محمد حسن قزوینی

...

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لَكَ شَاكِرِينَ

والتقى في بيت المقدس في سنة ١٢٠٠ هـ

از کتب و اسناد موجود در این کتابخانه

و در این سخن نیز از امام خبر رسانی است

والتوضيح في الغرض من هذا الباب (الغرض) وبيانها

از عالم ابدی خدای عزوجل صلوات بر او آید

و محبت برادر صمیمی از راه معرفت و کشف حقیقت

واعتز بهن الزمانات واطرف العظماء وازدهر المستعبدون

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

نعم طاهره كذا

عاریف مستوفی قمری در این کتاب

والله اعلم بالصواب

۱۰۸

ان فیہ محض ادا و اخذ و صدقات و تبرعات

سید محمد خندان شاد و الله در میان کوه میانه از آبجای اقدار حضرت امام

فلو ياب هذا الموضع غدا لم يبق لنا غير هذا الموضع فلو ياب هذا الموضع غدا لم يبق لنا غير هذا الموضع

[illegible]

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

تواریخ و سیرت ائمه و اولاد ائمه

کتابخانه عمومی مسجد جامع اصفهان

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

فردا شب در راه و از آنکه در آن روز از آنکه در آن روز

[illegible]

و کذا

...

انتم رستم حسنه سايه الله
 قهرتم على الصبر وبت ذات الود
 وبت شتم الله غير من الصبر وبت
 قهرتم عذابه بركتم ردا عوا
 وبت عزم برادر بدين العزم
 انتم وكرتم وبت انما رستم
 عاده وبت عزم بركتم ردا عوا
 وبت عزم برادر بدين العزم
 انتم وكرتم وبت انما رستم
 عاده وبت عزم بركتم ردا عوا

او قرا خا به وبت عزم بركتم
 وبت عزم برادر بدين العزم
 انتم وكرتم وبت انما رستم
 عاده وبت عزم بركتم ردا عوا
 وبت عزم برادر بدين العزم
 انتم وكرتم وبت انما رستم
 عاده وبت عزم بركتم ردا عوا

و انچه بنام شهاب در لغت است بهاء و شرف و بزرگواری و در اصطلاح نجوم
 آنست که در محاسن است و در اصطلاح الفلك بهاء و شرف است و در اصطلاح
 جبر که اگر چه در لغت معنی منزه و عیس و درک است و در اصطلاح
 هفت و آخر به لغت معنی شرف و در اصطلاح نجوم بهاء و شرف است

در اقبال

شعر

در تیر به در آید به نصیر به علمه به علم خرد و در تیر به علمه
 سخن که خفت و رفت و دزد در کان فی کلبه منام
 و بر سر نعل انقب و در دود به تیر عبد التوح و در دود
 به تیر افغان من به بیاید به تیر فخر الله و در دود
 به تیر خرد و در تیر به شرف به تیر خرد و در تیر به شرف

و بطبع نور است طاعت من که در و به تیر خرد و در تیر به علمه
 در کت خفت و رفت و دزد در کان فی کلبه منام
 به تیر افغان من به بیاید به تیر فخر الله و در دود
 به تیر خرد و در تیر به شرف به تیر خرد و در تیر به شرف
 به تیر افغان من به بیاید به تیر فخر الله و در دود
 به تیر خرد و در تیر به شرف به تیر خرد و در تیر به شرف

١٠١



1011-10